

اتحاد و جبهه ضرورت ناگزیر مراحل یک انقلاب

ایجاد " جبهه واحد ضد دیکتاتوری " این امکان را فراهم می سازد که فعالیت نیروهای شرکت کننده در آن – علیرغم آزادی عمل آنها در تبلیغ و ترویج ایدئولوژی و مرام خود و فعالیت در جهت گسترش سازمان خود و بالنتیجه مبارزه ایدئولوژیک سازنده در درون این جبهه – در جهت سرنگون ساختن دیکتاتوری فاشیستی هماهنگ گردیده و سرنگونی این دیکتاتوری به طور نسبی در کوتاه ترین زمان ممکن عملی گردد. هرگونه سنگ اندازی یا پافشاری در به تأخیر انداختن چنین جبهه ای ، تنها به نفع دشمن تمام می شود. این سنگ اندازی، خواه آگاهانه و از سوی کارگزاران رژیم در درون جبهه مبارزان و خواه ناآگاهانه و از روی بی تجربگی، تکروری و پربها دادن به نیروی خود، از سوی نیروهای مترقی باشد، مستقیماً به ابقاء رژیم دیکتاتوری و قرار گرفتن توده های بدون پیشاهنگ در زیر ضربات ارتجاع در بحران انقلابی قریب الوقوع خواهد انجامید.

در دوران اخیر چپ روها، با " تئوری " جدیدی به میدان آمده اند مبنی بر اینکه گویا در حال حاضر باید برای "جمهوری دموکراتیک نوین" مبارزه کرد و شعار سرنگونی رژیم دیکتاتوری **سرباز زدن** از مبارزه در این راه است و ارتجاعی است! گویا شرکت در " جبهه واحد ضد دیکتاتوری " به منزله " سازش با بورژوازی است. لنین می گفت:

«سوسیال دموکراتهای انقلابی روسیه در دوران پیش از سقوط تزاریسیم بارها از خدمات لیبرال های بورژوا استفاده کرده اند، بدین معنی که به **سازش های عملی** بسیار با آنها تن دادند. در سالهای ۱۹۰۲ – ۱۹۰۱.... هیئت تحریریه سابق " ایسکرا" ... با استرووه رهبر سیاسی لیبرالیسم بورژوائی، اتحاد سیاسی صوری برقرار ساخت (البته برای مدتی کوتاه) و همزمان با آن توانست قاطع ترین مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی را علیه لیبرالیسم بورژوائی و علیه کوچک ترین مظاهر نفوذ آن در درون جنبش کارگری انجام دهد و آنی از مبارزه باز نایستد. بلشویکها پیوسته همین سیاست را ادامه می دادند. از سال ۱۹۰۵ آنها به طور مستمر روی اتحاد طبقه کارگر و دهقانان علیه بورژوازی لیبرال و تزاریسیم پافشاری می کردند و در عین حال هیچگاه از پشتیبانی از بورژوازی علیه تزاریسیم سرباز نمی زدند...»

(لنین – " بیماری کودکی... ")

و نیز: «سوسیال دموکرات ها از طبقات ترقی خواه جامعه در برابر طبقات ارتجاعی یعنی از بورژوازی در برابر اشراف ممتاز زمیندار و منصبداران دولتی و از بورژوازی بزرگ در برابر توقعات ارتجاعی خرده بورژوازی پشتیبانی می کنند. لازمه این پشتیبانی **هیچگونه سازشی** با برنامه ها و اصول غیر سوسیال دموکراتیک نیست و چنین سازشی را **ایجاب نمی کند**، این یک پشتیبانی از **متحد خویش** در برابر دشمن معین است و هدف سوسیال دموکرات ها نیز از این پشتیبانی تسریع سقوط دشمن مشترک است، ولی سوسیال دموکرات ها از این متحدین موقت هیچ انتظاری برای **خود** ندارند و در **هیچ** زمینه ای هم به آنها **گذشت نمی کنند**. سوسیال دموکراتها از هر جنبش انقلابی علیه نظام اجتماعی کنونی و از هر خلق ستمکش و

پیروان هر مذهب و هر گروه اجتماعی ستمزده و غیره و غیره در مبارزه آنان برای احراز برابری حقوق، پشتیبانی می کنند.»

(لنین - "وظایف سوسیال دموکراتهای روسیه")
آنانکه صادقانه ولی ناآگاهانه در این پندارند که گویا دموکراسی بورژوائی برای طبقه کارگر سودمند نیست و کمونیستها باید فقط به دنبال "اهداف نهائی خود" باشند، باید بدانند که انقلاب محصول عصیان توده های غیرمتشکل و ناآگاه نیست. مبارزاتی که در آن توده های زحمتکش بدون رهبری و پیشاهنگ به عرصه مبارزه کشیده شده اند (از جمله انقلابهای قرن ۱۹ فرانسه، انقلاب ۱۹۲۱ - ۱۹۱۸ آلمان و سرانجام تجربه سالهای ۴۲ - ۳۹ ایران) به خوبی نشان داده که از مبارزات توده های بدون پیشاهنگ، بدون سازمان و غیرمتشکل تنها بورژوازی و اقشار گوناگون طبقات حاکم بهره می جویند و "پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاح دیگری جز سازماندهی ندارد" (لنین) و از آنجا که در زیر تسلط سلطنت مطلقه "طبقه کارگر نمی تواند سازمان های توده ای استواری ایجاد کند" (لنین) دموکراسی بورژوائی (هرچند ناقص باشد) بویژه برای پرولتاریا ضروری است و بسیار هم ضروری است:

«ما باید لیبرالها را مورد انتقاد قرار دهیم و نیمه کاری آنها را فاش نماییم. این صحیح است. ولی ما در عین اینکه محدودیت و کوتاه بینی هر جنبش دیگری به غیر از جنبش سوسیال دموکراتیک را فاش می سازیم، موظفیم به پرولتاریا توضیح دهیم که در مقایسه با حکومت مطلقه حتی آن مشروطیتی هم که حق انتخاب همگانی نمی دهد، گامی است به پیش و به این جهت پرولتاریا نباید رژیم موجوده را به چنین مشروطیتی ترجیح دهد.»

(لنین - "یک گام به پیش دو گام به پس")
به کسانی که الفاظ خوش آهنگ ولی بی محتوای چپ روها را - در مورد اینکه گویا پشتیبانی کمونیست ها از عناصر و نیروهای ضد دیکتاتوری طبقات حاکم و همکاری با آنان در راه سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه به معنی خدشه دار کردن مرز بین خلق و ضد خلق، بین انقلاب و ضد انقلاب - جدی می گیرند، یادآوری می کنیم گفته داهیانه لنین را، که:
«افراد ساده لوح و به کلی بی تجربه می پندارند، همینکه مجاز بودن سازش به طور اعم پذیرفته شود، هرگونه مرز میان اپورتونیسیم، که ما به طور آشفتی ناپذیر علیه آن مبارزه می کنیم و باید مبارزه کنیم، از یکسو - و مارکسیسم انقلابی و کمونیسم از سوی دیگر، سترده خواهد شد. ولی به چنین افرادی، چنانچه هنوز نفهمیده باشند که تمام مرزها خواه در طبیعت و خواه در جامعه، متحرک و به میزان معینی مشروط هستند، از هیچ راهی جز از راه طولانی تعلیم و تربیت، روشنگری و تجربه آموزی در زمینه های سیاسی و زندگی روزمره، نمی توان کمک کرد.»

(لنین - "بیماری کودکی... ")
پیش بینی آینده نزدیک چندان دشوار نیست و این پیش بینی ما را به پاسخ صادقانه هرچه صریحتر، هرچه روشن تر و هر چه سریعتر به ضرورت های مبرم جامعه ملزم می سازد. آن ضرورتی که تحقق آن در لحظه کنونی تنها راهی است که ما را به سوی انقلاب پیروزمند ملی و دموکراتیک خلق رهنمون می شود: "سرنگونی دیکتاتوری فاشیستی"